**٩٤ - تقسیم ارث[[1]](#footnote-1) و سهام**

و نیز در کتاب اقدس است قوله جلّ و عزّ : " قد قَسَّمنا المواریث علی عدد الزّاء منها قُدِّرَ لذریّاتکم من کتاب الطّاء علی عدد المقت و للازواج من کتاب الحاء علی عدد التّاء و الفاء و للآباء من کتاب الزّاء علی عدد التّاء و الکاف و للأمّهات من کتاب الواو علی عدد الرّفیع و للاخوان من کتاب الهاء عدد الشّین و للاخوات من کتاب الدّال عدد الرّاء و المیم و للمعلّمین من کتاب الجیم عدد القاف و الفاء کذلک حکم مبشّری الّذی یذکرنی فی اللّیالی و الاسحار انّا لمّا سَمِعْنا ضجیج الذّریّات فی الاصلاب زدنا ضعف ما لهم و نقصنا عن الاخری انّه لهو المقتدر علی ما یشاء یفعل بسلطانه کیف اراد "

و در رساله سؤال و جواب است : " و اینکه در بارهٴ ارث سؤال فرموده بودید از قوله تعالی : انّا لمّا سمعنا ضجیج الذّریات فی الاصلاب زدنا ضعف ما لهم و نقصنا عن الاخری ج مواریث در کتاب الهی ٢٥٢٠ سهم شده که جامع کسور تسعه باشد و این عدد هفت قسمت میشود هر قسمتی به صنفی از ورّاث میرسد چنانچه در کتاب مذکور است از جمله کتاب طاء نه شصت که عد مقت میباشد مخصوص ذریّه مقرّر شده و معنی قوله تعالی : زدنا ضعف ما لهم یک مثل آن بر آن افزودند که عدد دو طاء میشود و از سایرین کم میشود مثلاً نازل شده و للازواج من کتاب الحاء علی عدد التّاء و الفاء یعنی هشت شصت که عدد تاء و فإ میشود از برای ازواج بود حال شصت و نصف شصت که عدد نود میشود از ازواج کم شده بر ذریّه افزوده میشود و همچنین از سائر طبقات هر یک یک شصت و نیم کم میشود که نُه شصت میشود و بر نُه شصت اوّل افزوده میشود**[[2]](#footnote-2)** "

و از حضرت عبدالبهاء است قوله العزیز : "امّا سؤال از ابناء غیر مشروع نموده بودی بر آنان حرجی نه مجرم فاعل و محروم از فضل واهب "

1. قوانین و عادات همگانی قدیمه تقلیل حقّ ارث زنان نسبت بمردان بود بلکه در بسیاری از اقسام دنیا زنان اساساً حقّ ارث نداشتند در دین یهود دختر با بودن پسر مطلقاً از ارث محروم است در چین دختران را از ما یملک پدر یا مادر بیش از همان جهیزیّه که میبرند نصیبی نیست در ژاپن فقط در بعضی از اقسام ترکه و بشرط نبودن پسران حقّی بدختران تعلّق میگیرد در امر مسیح چون تعلیمی راجع بارث نبود ممالک متنوّعه مسیحی بهمان مقرّرات کشوری خود که بی‌نصیبی و یا کم نصیبی زنان بود رفتار میکردند فقط در قانون روم تساوی فیما بین دختر و پسر از سابق بود ولی در اعصار ترّقی بشر متدّرجاً مساوی گردید چنانچه در قانون مدنی فرانسه و بیشتر ممالک غربیّه میراث دختر و پسر مساوی گشت ولی در اسلام سهم ارث دختر نصف پسر و سهم زن نصف شوهر و حقّ خواهر نصف برادر معین گردید . [↑](#footnote-ref-1)
2. و آنچه حضرت اعلی در خصوص ارث فرموده‌اند بدین نوع است که باید آنچه از متوّفی مانده دو هزار و پانصد و بیست عدد فرض شود چه این عددی است که بنیانش از نه بوده است و در آخر نیز از آحادش همان نه عدد که عدد اسم مبارک بها باشد ظاهر است و دارای کسور تسعه است یعنی هم عشر صحیح دارد و هم تسع و هم ثمن و هم سبع و هم سدس و خمس و ربع و ثلث و نصف و قسمت اولاد نه شصت و قسمت ازواج هشت شصت و قسمت آباء هفت شصت و قسمت امّهات شش شصت و قسمت اخوان پنج شصت و قسمت اخوات چهار شصت و قسمت معلّمین سه شصت مقصود از کتاب طاء و حاء و زاء و واو و هاء و دال و جیم این بوده و چون جمال قدم محض فضل و کرم قسمت اولاد که نه شصت بود هیجده شصت مقدّر فرموده‌اند از آن شش طائفه دیگر هر یک یک شصت و نیم کسر فرموده که نه شصت میشود مثلاً قسمت ازواج که هشت شصت بوده شش شصت و نیم که سیصد و نود باشد و از آباء پنج شصت و نیم و اخوان سه شصت و نیم و از اخوات دو شصت و نیم و از معلّمین یک شصت و نیم که جمیع آنها همان عدد .... دو هزار و پانصد و بیست میشود (نبیل زرندی ) [↑](#footnote-ref-2)